



دانشگاه یزد
دانشکده علوم اجتماعی
گروه جامعه‌شناسی

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
جامعه‌شناسی

رابطه ساختار قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی در میان زنان
شهرهای یزد و یاسوج

استاد راهنما: دکتر سیدعلیرضا افشانی

استاد مشاور: دکتر مهربان پارسامهر

پژوهش و نگارش: بتول عادل نژاد

تیرماه ۱۳۹۳

سپاس نامه

شایسته است از استاد فرهیخته و فرزانهام جناب آقای دکتر سید علیرضا افشانی که با راهنمایی‌های ارزنده و همراهی‌های بی‌دریغشان در کلیه مراحل این تحقیق با روی خوش مرا یاری دادند؛ تشکر کنم و همچنین از استاد بزرگوام جناب آقای دکتر مهربان پارسامهر که مشاوره این پایان نامه را تقبل نمودند؛ کمال تشکر را دارم. همچنین از اساتید بزرگوام جناب آقای دکتر کاظم علوی لنگرودی و جناب آقای دکتر حسین افراسیابی که در مقام متخصص خارجی و داخلی، زحمت داوری این رساله را بر عهده گرفتند نهایت سپاسگزاری را ابراز می‌دارم. از تمام کسانی که به هر نحو یاریگر بنده در تکمیل این رساله بوده‌اند تشکر می‌نمایم. تقدیر و تشکر ویژه‌ای از همسر گرامیم جناب آقای دکتر علی طربساز، دخترانم مریم و نازنین زهرا و برادر عزیزم عادل عادل نژاد دارم که بودنشان برایم زندگی ست و همراهی‌شان پشتیبان من برای انجام این پژوهش بود.

چکیده

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی و رکن اصلی هر جامعه است. رضایتمندی زوجین از زندگی زناشویی می‌تواند به کاهش بسیاری از انحرافات و افزایش سلامت اجتماعی در جامعه کمک شایانی بنماید. یکی از روش‌های افزایش رضایت زناشویی، توزیع متعادل قدرت در خانواده است. از این رو پژوهش حاضر به بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده و رضایتمندی زناشویی پرداخته است.

این تحقیق با روش پیمایشی و به صورت مقطعی در دو شهر یزد و یاسوج انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را کلیه زنان همسر دار دو شهر یزد و یاسوج تشکیل می‌داد که بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه در شهر یزد ۲۸۸ نفر و در یاسوج ۲۴۶ نفر برآورد شد. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری گردید. پرسشنامه علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای شامل پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹) و پرسشنامه محقق‌ساخته‌ی ساختار قدرت در خانواده بود. اعتبار پرسشنامه از نوع محتوایی بود. ضریب آلفای کرونباخ برای سازه رضایت زناشویی (۰/۸۴) و ساختار قدرت در خانواده (۰/۸۹) حکایت از مطلوبیت پایایی ابزار تحقیق داشت. در تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای آماری Spss و Excel استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، تی مستقل و رگرسیون تحلیل شده است.

نتایج تحقیق نشان داد میزان رضایتمندی زناشویی در بین زنان همسر دار یزد به طور معنی‌داری بیشتر از زنان همسر دار یاسوج است. همچنین ساختار قدرت در خانواده در یزد به طور معنی‌داری متعادل‌تر از ساختار قدرت در یاسوج است. بین سن زنان و سن همسر با رضایتمندی زناشویی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشت ولی بین اختلاف سنی با همسر و رضایتمندی زناشویی در شهر های یزد و یاسوج و در کل نمونه مورد مطالعه، رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. بین ساختار روابط قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت، حوزه و قلمرو قدرت و همچنین ساختار قدرت در خانواده با رضایتمندی زناشویی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشت.

واژگان کلیدی: رضایتمندی زناشویی، ساختار قدرت در خانواده، شیوه‌های اعمال قدرت، حوزه و قلمرو قدرت.

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱ بیان مساله.....	۲
۱-۲ اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۴
۱-۳ اهداف تحقیق.....	۴
۱-۴ کاربرد نتایج تحقیق.....	۵

فصل دوم: ادبیات تحقیق

۲-۱ مقدمه.....	۷
۲-۲ خانواده.....	۷
۲-۳ ساختار خانواده.....	۸
۲-۴ دگرگونی در ساختار خانواده.....	۱۰
۲-۵ تعریف مفهوم قدرت.....	۱۲
۲-۶ قدرت در خانواده.....	۱۵
۲-۷ شیوه‌های اعمال قدرت.....	۱۶
۲-۸ انواع خانواده بر اساس نوع اقتدار.....	۱۷
۲-۹ پدرسالاری تا مادرسالاری.....	۱۸
۲-۱۰ ساختار قدرت در خانواده ایرانی.....	۲۰
۲-۱۱ مهارت‌های زندگی.....	۲۱
۲-۱۲ رضایت زناشویی.....	۲۲
۲-۱۳ نظریات مربوط به ساختار قدرت در خانواده.....	۲۳
۲-۱۳-۱ نظریه میدانی.....	۲۴
۲-۱۳-۲ نظریه مبادله.....	۲۴

۲۶ نظریه منبع ۳-۱۳-۲
۲۹ نظریه تضاد و تقابل ۴-۱۳-۲
۳۰ نظریه کنش متقابل نمادین ۵-۱۳-۲
۳۲ نظریه تصمیم گیری ۶-۱۳-۲
۳۲ نظریه تفکیک نقش ها ۷-۱۳-۲
۳۳ نظریه فمینیسم ۸-۱۳-۲
۳۹ نظریات مربوط به رضایت زناشویی ۱۴-۲
۳۹ نظریه کارکردگرایان ۱-۱۴-۲
۴۰ نظریه مبادله اجتماعی ۲-۱۴-۲
۴۱ نظریه تعارض ۳-۱۴-۲
۴۱ نظریه چرخه زندگی زناشویی ۴-۱۴-۲
۴۳ نظریه گلاسر ۵-۱۴-۲
۴۴ نظریه گاتمن ۶-۱۴-۲
۴۵ نظریه ویلیام گود ۷-۱۴-۲
۴۵ نظریه کارل راجرز ۸-۱۴-۲
۴۶ پیشینه تحقیق ۱۵-۲
۴۶ تحقیقات داخلی ۱-۱۵-۲
۴۸ تحقیقات خارجی ۲-۱۵-۲
۵۰ چارچوب نظری تحقیق ۱۶-۲
۵۳ فرضیات ۱۷-۲

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۵۵ ۱ مقدمه ۳-۳
۵۵ ۲ روش تحقیق ۳-۳
۵۵ ۳ جامعه آماری ۳-۳

۳- ۴	حجم نمونه و شیوه نمونه گیری.....	۵۵
۳- ۵	ابزار گردآوری داده‌ها.....	۵۶
۳- ۶	تعریف نظری و عملیاتی متغیرها.....	۵۷
۳- ۷	اعتبار و پایایی.....	۶۳
۳- ۸	تکنیک مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها.....	۶۳

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴- ۱	مقدمه.....	۶۶
۴- ۲	یافته‌های توصیفی.....	۶۷
۴- ۲- ۱	تعداد پاسخگویان به تفکیک شهر.....	۶۷
۴- ۲- ۲	محل تولد.....	۶۸
۴- ۲- ۳	سن.....	۶۹
۴- ۲- ۴	سن همسر.....	۷۰
۴- ۲- ۵	سالهای سپری شده از ازدواج.....	۷۱
۴- ۲- ۶	نسبت فامیلی.....	۷۲
۴- ۲- ۷	وضعیت اشتغال.....	۷۳
۴- ۲- ۸	تعداد فرزندان.....	۷۴
۴- ۲- ۹	تحصیلات.....	۷۵
۴- ۲- ۱۰	تحصیلات همسر.....	۷۶
۴- ۲- ۱۱	وضعیت مسکن.....	۷۷
۴- ۲- ۱۲	نوع مسکن.....	۷۷
۴- ۲- ۱۳	رضایت مندی زناشویی.....	۷۹
۴- ۲- ۱۴	ساختار روابط قدرت.....	۸۲
۴- ۲- ۱۵	ساختار شیوه‌های اعمال قدرت.....	۸۳
۴- ۲- ۱۶	حوزه و قلمرو قدرت.....	۸۴

- ۴-۳ یافته‌های استنباطی..... ۸۵
- ۴-۳-۱ مقایسه میزان رضایت‌مندی زناشویی زنان همسر دار یزد و یاسوج..... ۸۵
- ۴-۳-۲ مقایسه ساختار قدرت در خانواده زنان همسر دار یزد و یاسوج..... ۸۶
- ۴-۳-۳ سن زنان و رضایت‌مندی زناشویی..... ۸۷
- ۴-۳-۴ سن همسر و رضایت‌مندی زناشویی..... ۸۸
- ۴-۳-۵ اختلاف سنی با همسر و رضایت‌مندی زناشویی..... ۸۹
- ۴-۳-۶ ساختار روابط قدرت و رضایت‌مندی زناشویی..... ۹۰
- ۴-۳-۷ شیوه‌های اعمال قدرت و رضایت‌مندی زناشویی..... ۹۱
- ۴-۳-۸ حوزه و قلمرو قدرت و رضایت‌مندی زناشویی..... ۹۲
- ۴-۳-۹ ساختار قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی..... ۹۳
- ۴-۳-۱۰ رگرسیون چندگانه برای سنجش اثر ساختار قدرت در خانواده بر رضایت‌مندی زناشویی در شهر یزد ۹۴
- ۴-۳-۱۱ رگرسیون چندگانه برای سنجش اثر ساختار قدرت در خانواده بر رضایت‌مندی زناشویی در شهر یاسوج ۹۵
- ۴-۳-۱۲ رگرسیون چندگانه برای سنجش اثر ساختار قدرت در خانواده بر رضایت‌مندی زناشویی در بین کل پاسخگویان..... ۹۶

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

- ۵-۱ مقدمه..... ۹۸
- ۵-۲ خلاصه یافته‌ها..... ۹۹
- ۵-۳ بحث و نتیجه‌گیری..... ۱۰۰
- ۵-۴ پیشنهادات تحقیق..... ۱۰۳
- ۵-۴-۱ پیشنهادات پژوهشی..... ۱۰۳
- ۵-۴-۲ پیشنهادات اجرایی..... ۱۰۳
- ۵-۵ محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق..... ۱۰۴
- پیوست..... ۱۰۵
- منابع و مأخذ..... ۱۰۹

فهرست جداول

شماره و عنوان	صفحه
جدول شماره ۳-۱ گویه‌های سنجش ساخت روابط قدرت.....	۵۸
جدول شماره ۳-۲ گویه‌های سنجش شیوه‌های اعمال قدرت.....	۵۹
جدول شماره ۳-۳ گویه‌های سنجش حوزه و قلمرو قدرت در خانواده.....	۶۰
جدول شماره ۴-۱ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شهر.....	۶۷
جدول شماره ۴-۲ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب محل تولد.....	۶۸
جدول شماره ۴-۳ آماره‌های توصیفی سن پاسخگویان.....	۶۹
جدول شماره ۴-۴ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن همسر.....	۷۰
جدول شماره ۴-۵ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سالهای سپری شده از ازدواج.....	۷۱
جدول شماره ۴-۶ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نسبت فامیلی.....	۷۲
جدول شماره ۴-۷ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال.....	۷۳
جدول شماره ۴-۸ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد فرزندان.....	۷۴
جدول شماره ۴-۹ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات.....	۷۵
جدول شماره ۴-۱۰ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات همسر.....	۷۶
جدول شماره ۴-۱۱ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت مسکن.....	۷۷
جدول شماره ۴-۱۲ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع مسکن.....	۷۸
جدول شماره ۴-۱۳ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های رضایت‌مندی زناشویی.....	۷۹
جدول شماره ۴-۱۴ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های ساختار روابط قدرت.....	۸۲
جدول شماره ۴-۱۵ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های شیوه اعمال قدرت.....	۸۳
جدول شماره ۴-۱۶ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های حوزه و قلمرو قدرت.....	۸۴
جدول شماره ۴-۱۷ خروجی آزمون تی برای مقایسه میانگین میزان رضایت‌مندی زناشویی زنان همسر دار یزد و یاسوج.....	۸۵
جدول شماره ۴-۱۸ خروجی آزمون تی برای مقایسه ساختار قدرت در خانواده در یزد و یاسوج.....	۸۶
جدول شماره ۴-۱۹ خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه سن زنان و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک شهرهای یزد و یاسوج.....	۸۷

- جدول شماره ۴-۲۰ خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه سن همسر و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک شهرهای یزد و یاسوج.....۸۸
- جدول شماره ۴-۲۱ خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه اختلاف سنی با همسر و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک شهرهای یزد و یاسوج.....۸۹
- جدول شماره ۴-۲۲ خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه ساختار روابط قدرت و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک شهرهای یزد و یاسوج.....۹۰
- جدول شماره ۴-۲۳ خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه شیوه‌های اعمال قدرت و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک شهرهای یزد و یاسوج.....۹۱
- جدول شماره ۴-۲۴ خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه حوزه و قلمرو قدرت و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک شهرهای یزد و یاسوج.....۹۲
- جدول شماره ۴-۲۵ خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک شهرهای یزد و یاسوج.....۹۳
- جدول شماره ۴-۲۶ رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر رضایت‌مندی زناشویی.....۹۴
- جدول شماره ۴-۲۷ رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر رضایت‌مندی زناشویی.....۹۵
- جدول شماره ۴-۲۸ رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر رضایت‌مندی زناشویی.....۹۶

فهرست نمودارها

صفحه

شماره و عنوان

نمودار ۱-۲	شیوه‌های اعمال قدرت در خانواده.....	۱۶
نمودار ۱-۳	ابعاد توزیع ساختار قدرت در خانواده.....	۵۷
نمودار شماره ۱-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب شهر.....	۶۷
نمودار شماره ۲-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب محل تولد.....	۶۸
نمودار شماره ۳-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب سن.....	۶۹
نمودار شماره ۴-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب سن همسر.....	۷۰
نمودار شماره ۵-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب بر حسب سالهای سپری شده از ازدواج.....	۷۱
نمودار شماره ۶-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب نسبت فامیلی.....	۷۲
نمودار شماره ۷-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال.....	۷۳
نمودار شماره ۸-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب تعداد فرزندان.....	۷۴
نمودار شماره ۹-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب تحصیلات.....	۷۵
نمودار شماره ۱۰-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات همسر.....	۷۶
نمودار شماره ۱۱-۴	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت مسکن.....	۷۷
نمودار شماره ۱۲-۴	توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب نوع مسکن.....	۷۸

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱ بیان مساله

خانواده یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی و مهم‌ترین نهاد از نظر ادیان مختلف است و به عقیده بسیاری از صاحب نظران، تاریخی به قدمت حیات اجتماعی دارد. دستیابی به جامعه سالم، آشکارا در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط بر برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر است. از این رو، سالم سازی اعضای خانواده و رابطه هایشان، بی گمان اثرهای مثبتی را در جامعه به دنبال خواهد داشت (برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۸۰: ۹).

این نهاد اجتماعی در طول تاریخ بر اثر عوامل گوناگون دستخوش تغییر شده است. تاثیر دگرگونی‌های اقتصادی- اجتماعی بالاخص کنش متقابل میان زن و شوهر، تغییر در مفهوم نقش است. دگرگونی‌های اجتماعی و تحول در الگوهای زندگی جوامع شهری و ورود زنان به اجتماع، موجب تغییر و تحول در نگرش افراد در توزیع نقش‌ها و به تبع آن توزیع قدرت در خانواده شده است. خانواده کانونی که در آن چگونگی توزیع و نحوه‌ی اعمال قدرت در شکل گیری و رشد شخصیت افراد، اجتماعی شدن فرزندان، عزت نفس، انسجام و حتی احساس رضایت و رضایت‌مندی زناشویی تاثیر می‌گذارد. چگونگی تقسیم قدرت در خانواده بین زن و شوهر، با کمیت و کیفیت خوشبختی زوجها و احساس عادلانه بودن قدرت رابطه دارد (سابین^۱ ۱۹۹۵). فرایند صنعتی، اجتماعی، سیاسی، ساختار سنتی روابط خانوادگی را به سستی کشانده و در این میان، تحولات صنعتی تاثیر انکارناپذیر بر تغییر نقش‌های سنتی زنان داشته است. این تحولات نقش جنسیتی، با شروع در سده نوزدهم در اروپا و آمیختگی با جنبش‌های حقوق زنان در اوایل سده بیستم، نهایتاً به تغییر وضعیت زنان، چه در عرصه خانوادگی و چه در عرصه عمومی، انجامید و یکی از پیامدهای آن، تحول روابط سنتی اقتدار در خانواده بود (قندهاری، ۱۳۸۲). در الگوهای سنتی، قوانین مشخصی در مورد وظایف زن و مرد و انجام فعالیت‌های مربوط به زندگی زناشویی وجود داشت و در واقع از پیش تعیین شده بود. ولی افزایش سطح سوادآموزی افراد به ویژه زنان، ورود زنان به اجتماع و داشتن مشارکت و کنترل بر منافع اقتصادی خانواده، از جمله عواملی است که الگوهای سنتی را تحت تاثیر قرار داده و بر تغییر ساختار خانواده و نحوه توزیع قدرت خانواده تاثیر بسیار داشته است (اسپری، کارلسون و جودیت، ۱۳۸۸).

وابستگی طبیعی دو همسر به یکدیگر و نقشی که هر یک در ارضای تمایلات اصیل و زمینه سازی جهت تکامل دیگری ایفا می‌کند، آن‌ها را سخت به هم نیازمند ساخته، هر یک را به اهمیت موقعیت دیگری به عنوان بخشی از هویت خویش توجه می‌دهد. این وابستگی و نیاز متقابل و آثار متنوع آن تقریباً همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی بشری را متأثر ساخته و در همه جا به تناسب، به گونه‌ای جلوه نمایی کرده است. بی تردید این تدبیر حکیمانه که تکویناً در متن عالم هستی تعبیه شده، در صورتی که با دیگر زمینه‌ها و شرایط تأثیر گذار بر شکل گیری و تداوم صحیح این پیوند اصیل همراه شود، ضامن تحکیم و تثبیت خانواده خواهد بود (بستان نجفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷۷). در ایران با آغاز ورود فرایند نوسازی به کشور و خصوصاً گسترش روند شهرنشینی،

¹ Sabin

همگانی شدن نظام آموزشی در کشور، رشد ارتباطات اجتماعی و به دنبال آن آشنایی با تحولات ساختاری در سایر جوامع، خانواده ایرانی هم دستخوش تغییرات شد. تا چند دهه قبل، شکل مسلط خانواده در ایران، خانواده گسترده تابع سنت و مذهب بود، که ریاست اصلی آن در اختیار پدر بود و در ساختار سلسله مراتبی قدرت، شوهر یا پدر خانواده در رأس هرم قرار می‌گرفت، اما این شکل از روابط قدرت با ورود نوسازی به ایران، همانند غرب، دچار تغییر شد (قندهاری، ۱۳۸۲).

بر طبق تعریف، رضایت زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (سینها و مارکر جی^۱، ۱۹۹۱ به نقل از میر احمدی زاده و همکاران، ۱۳۸۲). وینچ^۲ و همکاران معتقدند که رضایت زناشویی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است. طبق این تعریف رضایت زناشویی زمانی محقق می‌گردد که وضعیت موجود در روابط زناشویی با وضعیت مورد انتظار فرد منطبق باشد. هم چنین الیس^۳ بیان می‌کند که رضایت زناشویی احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر است هنگامی که همه جنبه‌های ازدواج شان را در نظر می‌گیرند (سلیمانیان، ۱۳۷۳).

از طرف دیگر، در بیشتر مواقع برای محققان خانواده در دوره جدید این پرسش مطرح می‌شود که توزیع قدرت در خانواده ایرانی چگونه است؟ آیا ساختار سنتی (پدرسالاری) وجود دارد یا اینکه صورت‌های جدید ایجاد شده است؟ (آزادارمکی، ۱۳۸۶ الف: ۷). در تصمیم‌گیری‌های دمکراتیک که همراه با مشارکت اعضاء خانواده می‌باشد قدرت یک سویه ایجاد نمی‌شود اما در روش‌های اقتدارگرایانه چون مشارکت وجود ندارد یک نفر صاحب اقتدار بیشتر خواهد شد. هنگامی که قدرت در خانواده مطرح می‌شود بسیاری از علما بر نحوه تصمیم‌گیری در حوزه‌های گوناگون تمرکز می‌کنند. برخی بر بعد اجتماعی، عده‌ای بر میزان تأثیرگذاری زن و شوهر بر تربیت فرزندان یا بعد اقتصادی تأکید می‌کنند، قدرت در خانواده یک مفهوم چند بعدی است که به طور غیرمستقیم می‌تواند از طریق الگوهای تصمیم‌گیری اندازه‌گیری شود (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۴۰). منظور از ساختار خانواده چگونگی کم و کیف خانواده می‌باشد یعنی روابط درون خانواده، زمینه‌های ارزشی خانواده، تعداد افراد درون خانواده و نظایر آن‌ها که مجموعاً ساختار خانواده را تشکیل می‌دهند (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۲۹).

زنان نیمی از جمعیت هر جامعه را نشان می‌دهند و مربی و تربیت کننده کل افراد جامعه محسوب می‌شوند. در زمینه مسائل مربوط به خانواده در ایران تا کنون بررسی‌های متعددی صورت گرفته است و در بسیاری موارد ویژگی‌های متفاوتی در ساختار خانواده در شهرهای ایران وجود داشت و دارد. شهر یزد یکی از شهرهایی است که به لحاظ شاخص‌های توسعه در وضعیت خوبی قرار دارد و از طرف دیگر شهر یاسوج در زمره شهرهایی است که به لحاظ شاخص‌های توسعه در جایگاه مطلوبی قرار ندارد. از این رو مقایسه رابطه دو متغیر ساختار قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی در این دو شهر می‌تواند از این حیث مفید باشد. این پژوهش که در شهرهای

¹ sinha & mukerjee

² Winch

³ Ellis

یزد و یاسوج انجام شده است در پی پاسخ به این سؤال است که بین ساختار قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

۱-۲ اهمیت و ضرورت تحقیق

خانواده نیز همچون سایر سازمان‌ها و نهادهای تشکیل دهنده جامعه، در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های عمیقی گردیده است. وسعت و اهمیت این تغییرات تا آنجاست که امروزه بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب نظران نگران آینده این نهاد بوده و از کاهش اهمیت و حتی زوال آن بویژه در جوامع پیشرفته سخن می‌گویند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۴۳). این نگرانی تا حدود زیادی واقعیت دارد که پیدایش نهادهای جدیدی در جوامع صنعتی و توسعه یافته به کاهش بسیاری از کارکردهای سنتی خانواده منجر گردیده و اشکال تازه‌ای از روابط خانوادگی را ایجاد نموده است، به طوری که توسعه صنعتی، ساختار سنتی خانواده را از اقتدار حاکم بر آن سست کرده است. یکی دیگر از علل مهم افت اقتدار خانواده را می‌توان با جهان بینی‌های دموکراتیک جوامع صنعتی مرتبط دانست که به طور معمول تاکید بیشتری بر حقوق فردی دارند. اما تاثیر تحولات صنعتی بر خانواده، بویژه در زمینه تحول روابط سنتی اقتدار و تغییر نقش سنتی زنان از همه ابعاد مشهودتر است.

خانواده کانونی است شکل گرفته بر پایه پیمان مقدس ازدواج که با حضور فرزندان، روابط اعضای خانواده، گسترده‌تر و تأثیرگذاری مثبت یا منفی آن‌ها بر یکدیگر بیش‌تر می‌شود. در این میان ضروری است عوامل ثبات و سازوکارهای ایجاد ارتباط صمیمانه و سازنده بررسی شود و محیطی سالم و بانشاط برای پرورش فرزندان فراهم شود.

پژوهش در مسئله‌ی رضایت‌مندی زناشویی، به چند دلیل دارای اهمیت است. برخی از این دلایل مربوط به اهمیتی است که نهاد خانواده، در جوامع امروزی دارد. برخی دیگر در ارتباط با کیفیت زندگی و تأثیری است که رضایت‌مندی زناشویی می‌تواند بر سایر جنبه‌های زندگی داشته باشد. هم‌چنین رضایت‌مندی زناشویی، به دلیل نقشی که در سلامت جسمی و روانی افراد و زوجها دارد، می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

شهرهای یزد و یاسوج، به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه، در دو سطح مختلف قرار دارند در حالیکه شهر یزد شاخص‌های مطلوبی از نظر توسعه دارد یاسوج جایگاه مناسبی ندارد. از این حیث مطالعه و مقایسه این دو شهر از منظر موضوعات اجتماعی بویژه در حوزه خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که چگونگی تقسیم قدرت بین زن و مرد در خانواده، بر رضایت‌مندی زناشویی اثر می‌گذارد، این پژوهش بر آن است که به بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی در دو شهر یزد و یاسوج بپردازد.

۱-۳ اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر "بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی در بین زنان همسر دار شهرهای یزد و یاسوج" می‌باشد.

اهداف فرعی نیز عبارتند از:

مقایسه میزان رضایت زناشویی زنان همسرदार در شهرهای یزد و یاسوج

مقایسه ساخت قدرت در خانواده در شهرهای یزد و یاسوج

تعیین رابطه بین ساخت روابط قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی در بین زنان همسرदार شهرهای یزد و یاسوج

تعیین رابطه بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی در بین زنان همسرदार شهرهای یزد و یاسوج

تعیین رابطه بین حوزه قلمرو قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی در بین زنان همسرदार شهرهای یزد و یاسوج

تعیین رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و رضایت‌مندی زناشویی در بین زنان همسرदार شهرهای یزد و یاسوج

۴-۱ کاربرد نتایج تحقیق

نتایج این پژوهش می‌تواند توسط نهاد، ادارت و سازمان‌های مختلفی که به نوعی با خانواده سروکار دارند به کار گرفته شود. از جمله می‌توان به صدا و سیما، دفتر امور بانوان استانداری، اداره کل بهزیستی و ... اشاره کرد.

فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱-۲ مقدمه

فصل دوم تحقیق از چند بخش تشکیل شده است. ابتدا به ادبیات و مبانی نظری در موضوع ساختار قدرت در خانواده و رضایت زناشویی پرداخته می‌شود. در ادامه نظرات و آراء مربوط به ساختار قدرت در خانواده و نظریات مربوط به رضایت زناشویی ارائه می‌شود. به پیشینه تحقیقات در سایر کشورها و تحقیقات داخلی اشاره می‌شود، سپس به چارچوب نظری تحقیق پرداخته می‌شود و در نهایت در بخش آخر فرضیات تحقیق ارائه خواهد شد.

۲-۲- خانواده

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی سابقه‌ای به اندازه سابقه زیست بشر بر روی زمین دارد. خانواده به عنوان یک نهاد جهانی در جوامع مختلف وجود داشته و دارد. کارکردهای خانواده نیز تقریباً در جوامع متفاوت مشابه می‌باشد، لیکن تغییرات مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دگرگونیهای مختلفی در آن به وجود آورده است (شیخی، ۱۳۸۰: ۶۹). موفقیت و استحکام خانواده، موجب موفقیت و توسعه جامعه و متقابلاً ناکامی و تزلزل آن، موجب معضلات و بحران‌های اجتماعی و حتی سیاسی خواهد شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با تأکید بر اهمیت خانواده، در اصل دهم چنین مقرر می‌دارد: "از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد" (موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۰: ۱۱). خانواده انسانی را می‌توان یک گروه نهادی شده زیستی- اجتماعی تعریف کرد. متشکل از چند فرد بالغ (که دست کم دوتای آنها، بدون داشتن پیوند خونی و از دو جنس مخالف، ازدواج کرده باشند) و فرزندان که زاده‌ی پیوند ازدواج افراد بالغند. حداقل نقش‌ها و وظایف خانواده عبارت است از تأمین رضایت‌مندی‌ها و نظارت در نیازهای عاطفی، از جمله روابط جنسی، و ایجاد موقعیت اجتماعی- فرهنگی برای تولید مثل، مراقبت و پرورش اجتماعی فرزندان- گروهی که بدین سان تشکیل شود و چنین وظایفی را اجرا نماید، از حیث وسعت ساختار انواع متعددی دارد (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۳۸۱).

خانواده با توجه به اشکال و صور و کارکردهای متنوع خود طی هزاران سال تا به امروز پایدارترین وسیله حفظ و استمرار و دوام فرهنگ مردم بوده و به عنوان یک پدیده جهانی قلمداد می‌شود. در این رهگذر هر محققى برای معنا دادن به خانواده در نزد خود و دیگران برای آن تعریفی و مفهومی خاص در نظر گرفته به این دلیل دیدگاه‌های صاحب نظران در مورد ارائه تعریفی واحد برای نهاد جهانشمول خانواده یکسان نیست (فربد، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

لویی هنری مورگان معتقد است که خانواده یک اصل فعال را نشان می‌دهد و هرگز ثابت نبوده و همان سان که جامعه از شرایط پایبندی به سوی شرایط بالاتری پیش می‌رود ازدواج و خانواده نیز از شکل‌های ابتدایی به سوی شکل‌های تکامل یافته‌تر پیش می‌رود (همان: ۲۸).

طبق نظر کونینگ می‌توان اینگونه بیان کرد خانواده به عنوان گروه، اعضایش را با احساس صمیمیت همکاری و تشریک مساعی به هم پیوند می‌دهد. یعنی رابطه اعضای خانواده برپایه صفت صمیمیت و زندگی اجتماعی در

داخل گروه استوار است. "صمیمیت" مشخصه اساسی و غیر قابل تفکیک خانواده است و همین صفت آن را از سایر گروه‌های اجتماعی متمایز می‌کند. امیل دورکیم که از رویکرد جامعه‌شناسی تطبیقی به پدیده‌های خانوادگی نگاه می‌کرد، معتقد بود که "خانواده‌ی مدرن خلاصه‌ی تمام پیشرفت تاریخی خانواده را در دل خود دارد". کارهای قوم‌شناسان خویشاوندی و به ویژه مکتب انسان‌شناختی انگلیسی ناپایداری این نظریه‌های تکاملی را نشان داده و ثابت کرده است که تنوع نظام‌های خانوادگی پدرتبار و مادرتبار و پیچیدگی بیش از حد آن‌ها بستگی به درجه‌ی پیشرفت فنی جامعه‌ای دارد که این نظام‌ها در آن دیده می‌شوند (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰). علوم گوناگون اجتماعی تعریف‌های متفاوتی از خانواده بیان کرده‌اند. از نظر جامعه‌شناسی، خانواده عبارت است از گروهی شامل پدر، مادر و فرزندان که در مکان واحد زندگی می‌کنند، اقتصاد مشترکی دارند و مبتنی بر حقوق و مناسبات و تکالیف فردی و جمعی است. بر اساس تعریف جامعه‌شناسانه، خانواده نظامی نیمه بسته است که نقش ارتباطی داخلی را ایفا می‌کند و دارای اعضای است که وضعیت و مقام‌های مختلفی در خانواده و اجتماع احراز کرده‌اند که با توجه به محتوای نقش و وضعیت‌ها، افکار و ارتباطات خویشاوندی، ایفای نقش می‌کند (حائریان اردکانی، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۶). جامعه‌شناسان تا حدی در مقام عامل تصحیح‌کننده تأکید نهادی، و تا حدی در واکنش نسبت به اخلاق دگرگون‌شونده خانواده در مغرب زمین، در دوره جدیدتر خانواده را به منزله چیزی در گذار از "پدیده نهاد به پدیده رفاقت" مورد گفتگو قرار داده‌اند، و آن را "واحدی مرکب از اشخاصی که برهمکنش دارند" تعریف کرده‌اند (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۳۸۲). این نهاد تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همواره در حال تغییر است. عامل سواد، اشتغال زنان، بالا رفتن سن ازدواج، محدود کردن تعداد فرزندان و... بر تغییرات درون خانواده تأثیر می‌گذارد. منظور از تغییرات درون خانواده تغییر در روابط و ساختار خانواده است (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۰).

۲-۳ ساختار خانواده

منظور از ساختار خانواده چگونگی و کم و کیف خانواده می‌باشد، یعنی روابط درون خانواده، زمینه‌های ارزشی خانواده، تعداد افراد درون خانواده و نظایر آنها که مجموعاً ساختار خانواده را تشکیل می‌دهند (همان: ۱۲۹). عوامل متعددی بر ساختار خانواده و نوع روابط میان اعضاء موثر هستند به عنوان مثال ساختار خانواده بستگی به عامل سن زن و مرد دارد، یعنی با گذشت زمان ارتباط بین افراد و ساختار خانواده تغییر می‌کند. همین طور وجود شرایط درونی خانواده تحت تأثیر عامل سن تغییر می‌نماید (شیخی، ۱۳۸۰: ۷۶) علاوه بر سن، اختلاف سنی همسران، تحصیلات زن و مرد حتی تحصیلات والدین آنها و عوامل محیطی مثل محل زندگی بر ساختار خانواده و الگوی ارتباطی میان اعضا خانواده تاثیر گذار می‌باشد. مهمترین عوامل مؤثر بر ساختارها، رابطه‌ها و رفتارهای خانوادگی عبارتند از: تحولات جمعیت، پیشرفت‌های علمی، تأثیر مدرنیته، تأثیر متقابل فرهنگی و دخالت دولت. خانواده‌ها برحسب ویژگی‌های حوزه‌های فرهنگی، سطوح رشد کشور و طبقه‌بندی اجتماعی خود در معرض تأثیر یک یا تعدادی از این عوامل قرار خواهند گرفت (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۶۳). تنوع بسیاری در ساخت

خانواده ملاحظه می‌شود این تنوع ممکن است به صورتهای بسیار گوناگونی در جامعه‌های انسانی وجود داشته باشد.

تک همسری عبارت است از ازدواج یک زن با یک مرد، و این شایعترین صورت زناشویی را تشکیل می‌دهد. چند همسری، ازدواج یک شخص، اعم از زن یا مرد با بیش از یک همسر است. چند شوهری، نوعی چند همسری است که ازدواج یک زن با بیش از یک مرد را مشخص می‌کند. چند زنی، یکی از صورتهای چند همسری است که ازدواج یک مرد با بیش از یک زن را مشخص می‌کند. خانواده هسته‌ای، عبارت است از واحد خانوادگی بنیانی که شامل شوهر، زن و فرزندان است اینگونه واحدها را گاهی خانواده "زن و شوهری" نیز می‌نامند (کوئن، ۱۳۸۲: ۱۷۳-۱۷۴). چنین خانواده‌ای که امروزه خانواده مسلط در جامعه شناخته شده است و اکثریت خانواده‌ها را در بر می‌گیرد، ارتباطات خویشی در حداقل آن صورت می‌گیرد. این مدل ساختار خانواده دستاوردی از انقلاب صنعتی به حساب می‌آید (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۴). در کشورهای صنعتی زن و شوهر از نظر پایگاه و موقعیت در خانواده در حدی کم و بیش مساوی یکدیگر قرار دارند. استمرار حیات این خانواده موقتی است و جنبه ازلی ندارد، چراکه موجودیت آن با ازدواج آغاز می‌شود و با مرگ پایان می‌پذیرد (محسنی، ۱۳۷۶: ۳۱۰).

خانواده گسترده، بر اساس مناسبات خونی، تعداد بیشماری از افراد، از جمله والدین، فرزندان، پدربزرگها و مادربزرگها، عمه‌ها، عموها، خاله‌ها، پسر عمو و دختر عموها و عمه و دایی زاده را شامل می‌شود به این نوع خانواده گاهی خانوار همخون نیز می‌نامند (کوئن، ۱۳۸۲: ۱۷۵). خانواده گسترده شامل دو یا چند خانواده وابسته است. در خانواده گسترده مردان بر زندگی مسلط هستند، دستور آنها لازم الاجراست، و عروس جوان در مقابل شوهر و والدینش مسئول است. خانواده گسترده را به انواعی چون خانواده "پدرسالار" و "مادرسالار" تقسیم کرده‌اند.

خانواده پدرسالار به طور کلی از پدر و مادر، فرزندان، و فرزندان پسران تشکیل می‌شود، رهبری خانواده برعهده پدر یا بزرگ خانواده است، در این خانواده سالمندترین مردان خانواده، در عین حال پرقدرت‌ترین افراد خانواده است و زنان در این شرایط از امتیازات چندانی بهره مند نیستند. خانواده پدرسالار در ایران بسیار پر سابقه است و به روایت مورخین همواره وظایف متعددی چون تولید اقتصادی، آموزش و پرورش، پرورش مذهبی و تفریح را برعهده داشته است (محسنی، ۱۳۷۶: ۳۰۷-۳۰۸).

خانواده پدر مکان، اقامتگاهی است که زوج جدید با خانواده شوهر در آنجا ساکن می‌شوند و با هم زندگی می‌کنند. در اقامتگاه پدری معمولاً خانواده شوهر مسلط است رسم این است که مسن‌ترین مرد آن خانواده از اقتدار برخوردار است و مهمترین تصمیمات را در خانواده، او می‌گیرد (کوئن، ۱۳۸۲: ۱۷۵).

در حالت مادرسالار، خانواده از پدر و مادر و فرزندان و فرزندان دختران تشکیل می‌شود. پدر خانواده از نظر اداره امور خانواده نقش چندانی ندارد، و نسبت به مادر می‌رسد. خانواده مادرسالار از ابتدایی‌ترین صور خانواده بوده است. در ادوار اولیه، یعنی پیش از استقرار بشر در محلی ثابت و آغاز فعالیت‌های کشاورزی، ضرورت ادامه حیات خانواده حکم می‌کرد که مردان برای شکار، جمع‌آوری مواد غذایی، و یا گاهی شرکت در جنگها از خانواده جدا